

منہوم حملات

کار

علی اکبر رستگار ۸۴۱۴۸۷۷۱۶۰۹

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

کانال تلگرامی:

<https://t.me/QRANMOBIN110>

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مفهوم جملات نماز

شیرینی نماز به فهمیدن معنی آن است، همانطور که لذت بردن از غذا به فهمیدن مزه‌ی غذاست به همین دلیل در قرآن کریم در آیه شریفه ۴۳ سوره مبارکه نساء، مسلمانان را از نماز خواندنی که با درک معنی نماز همراه نباشد، نهی می‌کند. از این رو آموزش معنی نماز از کلیدی‌ترین و مهمترین آموزه‌هایی است که یک مسلمان فرا می‌گیرد در این مجموعه با استفاده از منابع معتبر نظیر تفسیر المیزان، لغتنامه قرآن کریم (سلام)، معنی کاملتر و در نتیجه شیرینتری از نماز ضمن رعایت اختصار ارائه گردیده است و برای جذابیت بیشتر و سهولت برگزاری مسابقاتی بر این مبنا، محتوا به صورت ۲۳ کارت تقسیم بندی شده است.

یک جمله از نماز (۱):

اللَّهُ أَكْبَرُ

هر چه از خوبیهای الله بگوییم باز هم کم گفته ایم و او از هر توصیفی که درباره اش شود، بزرگتر است از جمله هر چه در این نماز درباره او خواهیم گفت.

الله: کسی که همه خوبیها را دارد و هیچ بدی در او نیست و از این رو واله و عاشقش می شوند و او را معبود خود قرار می دهند
اکبر: بزرگتر

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۲):

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با کمک گرفتن از نام الله که با همگان، همیشه و بی اندازه مهربان است، شروع می کنم.

بسم: به نام - با یاری جستن از اسم

الله: کسی که همه خوبیها را دارد و هیچ بدی در او نیست و از این رو واله و عاشقش می شوند و او را معبود خود قرار می دهند
الرحمن: آن کس که مهربانیش همیشگی و شامل همه است - همیشه رحم کننده - همیشه مهربان (رحمان صفت مشبیه از رحم است، رحمان صورتی از رحمت و مهربانی پروردگار است که شامل همه مخلوقاتش می شود و این صفت خاص پروردگار است و نامیدن دیگران به آن صحیح نیست. کاربرد وزن فَعْلان در آیات قرآن مبالغه‌ای را نشان می دهد که در وزن فعیل دیده نمیشود، مبالغه‌ای که خاص پروردگار متعال است)

الرحیم: بسیار رحم کننده - بی اندازه مهربان - همیشه رحم کننده - همیشه مهربان - آن کس که مهربانیش همیشگی است (رحیم هم صفت مشبیه است و هم صیغه مبالغه یعنی هم دائمی بودن و دیرپایی صفت را می رساند و هم بسیاری آن را)

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۳):

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

همه ستایشها برای الله، پرورش دهنده
جهانها و جهانیان است (از هر خوبی
تعریف کنند در واقع پروردگار را ستوده
اند چون خوبیهای همگان از اوست)

الحمد: همه ستایشها و برشمردن خوبیها

الله: برای الله(الله: کسی که چون همه خوبیها را دارد و هیچ بدی در او نیست، واله و عاشقش می شوند و او را معبود و اله خود قرار می دهند)

رب: پروردگار - پرورش دهنده - مالکِ مدبر(کلمه رب به معنای مالکِ مدبّر یا صاحبی که امور مربوط به آن چه دارد را در جهت رشد و کمال او تدبیر می کند و به پیش می برد، می باشد)

العالمین: جهانیان - همه ی جهانها

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۴):

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

(همه ستایشها مخصوص
اوست که) با همگان همیشه
و بی اندازه مهربان است

الرحمن: آن کس که مهربانیش همیشگی و شامل همه است - همیشه رحم کننده - همیشه مهربان (رحمان صفت مشبیه از رحم است، رحمان صورتی از رحمت و مهربانی پروردگار است که شامل همه مخلوقاتش می شود و این صفت خاص پروردگار است و نامیدن دیگران به آن صحیح نیست. کاربرد وزن فَعْلان در آیات قرآن مبالغه‌ای را نشان می دهد که در وزن فَعیل دیده نمیشود، مبالغه‌ای که خاص پروردگار متعال است)

الرحیم: بسیار رحم کننده - بی اندازه مهربان - همیشه رحم کننده - همیشه مهربان - آن کس که مهربانیش همیشگی است (رحیم هم صفت مشبیه است و هم صیغه مبالغه یعنی هم دائمی بودن و دیرپایی صفت را می رساند و هم بسیاری آن را)

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۵):

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

(همه ستایشها مخصوص اوست که)

صاحب روز جزایی است که فقط

دینداری در آن روز به کار می آید.

(تنها مالک و فرمانروا و صاحب اختیار روز قیامت پروردگار مهربان است و

وقتی حکم تنها در دست چنین مهربانی است، دل آرام می گیرد)

مالک: صاحب - مالک (مَلِكٌ یعنی اینکه، که انسان در کار خودش و اهلس و مالش استقلال داشته باشد)

یوم الدین: روز جزا - قیامت (دین: جزا و پاداش) - روز دین - روز جزایی که فقط دینداری در آن روز به کار می آید

دین: پاداش - به معنای مطلق جزا است، چه در مورد کار خیر (وعده) و چه در مورد کار شر (وعید) - مجموع یا قسمتی

از احکامی که خداوند بر انبیای خودش نازل کرده (در جمله "أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ" منظور عبادت است)

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۴):

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

فقط تو را عبادت و اطاعت

و بندگی می کنیم و فقط از

تو یاری می طلبیم

ایاک: فقط تو

نعبد: می پرستیم - عبادت و اطاعت و بندگی می کنیم (عبادت و پرستش یعنی اینکه رفتار انسان طوری باشد که نشان دهد مالکش کسی است که قصد عبادتش را دارد. به عبارت ساده تر عبادت یعنی رفتاری که عبد و بنده بودن را نشان دهد و هر کس که بنده ی دیگری است، خلاف فرمان او عمل نمی کند)

نستعین: با نهایت تلاشمان یاری می طلبیم

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۷):

أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

ما را به راه روشن و واضح مستقیم، هدایت نما(راه پیروی از قرآن کریم و معصومین علیهم السلام، راه عبادت خالصانه پروردگار و کوتاهترین و واضح ترین راه رسیدن به او و نشانه هدایت شدن به این راه آن است که جز آنچه پروردگار برایمان خواسته، نخواهیم)

اهدنا: ما را هدایت کن (اصل این کلمه به معنی بازگشتن است و هدایت به معنای راهنمایی به سوی مطلوب به نرمی و لطف است)
صراط: راه روشن و واضح (از ریشه "صراط" به معنای بلعیدن است، و راه روشن و واضح مثل اینکه رهرو خود را بلعیده و در مجرای گلوی خویش فرو برده، که دیگر نمی تواند به این سو و آن سو منحرف شود و نیز نمی گذارد که از شکمش بیرون شود)
مستقیم: راست - مستقیم (کلمه ی مستقیم به معنای هر چیزی است که بخواهد روی پای خود بایستد و بدون تکیه بر چیزی تعادلش را حفظ کند مانند انسان ایستاده ای که بر امور خود مسلط است، در نتیجه چیزی مستقیم است که از حالت مطلوب خود ذره ای دچار انحراف به چپ و راست نمی گردد پس صراط مستقیم همیشه سمت و جهتش به سمت هدف است و ذره ای منحرف نمی شود لذا کوتاهترین راه به سوی پروردگار متعال، صراط مستقیم است)

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۸):

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

(ما را هدایت نما به) راه کسانی که نعمتشان دادی، (انبیاء، صدیقین) آنان که میان گفتار و عملش هیچ تناقضی نیست و پای حرف راست خود می ایستند)، شهدا، صالحین (آنانکه به اصلاح امور خود و خلق پروردگار مشغولند))

صراط: راه روشن و واضح (از ریشه "صراط" به معنای بلعیدن است، و راه روشن و واضح مثل اینکه رهرو خود را بلعیده و در مجرای گلوی خویش فرو برده، که دیگر نمی تواند به این سو و آن سو منحرف شود و نیز نمی گذارد که از شکمش بیرون شود)
الذین: کسانی که

انعمت: نعمت دادی (نعمت برای هر چیز عبارت است از چیزهایی که با طبع و سرشت آن چیز سازگار باشد پس علاوه بر نعمتهای معمولی، وجود انسانهایی مانند معصومین علیهم السلام نیز می تواند برای دیگر انسانها نعمت باشد)
علیهم: بر آنان

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۹):

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

نه راه آنان که شخص مورد غضب (الهی) واقع شده، را بر خود حاکم و فرمانروا کرده اند (در واقع دانسته و عمداً غیر از الله را می پرستند) و نه راه گمراهان (گمراهانی که خیال می کنند پرستش و فرمانبری از پروردگار می کنند ولی در واقع دیگری یا هوای نفس خود را می پرستند)

غیر: غیر - به جز

مغضوب: مورد غضب و خشم واقع شده (عبارت "غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ" یعنی: نه راه آنان که شخص مورد غضب (الهی) واقع شده، را بر خود حاکم و فرمانروا کرده اند (در واقع دانسته و عمداً غیر از الله را می پرستند). در اغلب ترجمه ها این عبارت "نه راه آنان که بر آنها خشم گرفته شده" ترجمه می شود، که صحیح نیست چون در این ترجمه ها، از مغضوب که یک اسم (کسی که مورد خشم واقع شده) است به عنوان فعل، استفاده شده است. از طرفی ترکیب "الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ" یک ترکیب مضاف و مضاف الیه نیست چون مضاف "آل" نمی گیرد)

علیهم: بر آنان

ضالین: گمراهان (لا الضالین: نه گمراهان)

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۱۰):

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

(اگر از تو پرسیدند: "پروردگارت کیست؟") بگو: "او "الله" است، یکتا است که امکان ندارد، دومی داشته باشد."

قل: بگو

هو: او - آن (برای اشاره به غائب چه از لحاظ مکانی چه از لحاظ بزرگی و دست نیافتنی بودن قدر و منزلت مثل آیه "قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ" که استفاده از ضمیر "هُوَ" برای پروردگار متعال به دلیل غائب بودنش نیست که "هُوَ معکم اینما کنتم: هر جا که باشید او با شماست" بلکه به دلیل دور از دسترس عقل و تصور بودن قدر و منزلت عظیم اوست)

الله: کسی که همه خوبیها را دارد و هیچ بدی در او نیست و از این رو واله و عاشقش می شوند و او را معبود خود قرار می دهند

احد: آن یکی که امکان ندارد دومی داشته باشد - یکتا (کلمه احد صفتی است که از ماده وحدت گرفته شده، همچنان که کلمه واحد نیز وصفی از این ماده است، ولی بین احد و واحد فرق است، "احد" آن یکی است که دومی ندارد چه در ذهن و چه در خارج از ذهن یعنی عقلاً دومی برای آن متصور نیست به خلاف کلمه واحد که یا دومی دارد یا می توانست داشته باشد)

یک جمله از نماز (۱۱):

اللَّهُ الصَّمَدُ

الله بی نیاز که همه برای برآورده شدن نیازشان محتاج اویند و عاقبت به او روی می آورند و چیزی به او اضافه نمی شود و هیچ کس و هیچ چیز از او، نه جدا است و نه جدا می شود

الله: کسی که همه خوبیها را دارد و هیچ بدی در او نیست و از این رو واله و عاشقش می شوند و او را معبود خود قرار می دهند
صمد: بی نیازی که همه برای برآورده شدن نیازشان محتاج اویند و عاقبت به او روی می آورند و چیزی به او اضافه نمی شود و هیچ کس و هیچ چیز از او، نه جدا است و نه جدا می شود(اصل در معنای کلمه صمد، قصد کردن و یا قصد کردن با اعتماد است، وقتی گفته می شود: "صمده" معنایش این است که فلانی قصد فلان کس یا فلان چیز را کرد، در حالی که بر او اعتماد کرده بود. از طرفی به معنای چیز توپری است که نه چیزی بتواند به آن داخل و نه چیزی از آن خارج گردد، و در نتیجه نه بخورد و نه بنوشد و نه بخوابد و نه بچه بیاورد و نه از کسی متولد شود خلاصه نه چیزی به آن اضافه گردد و نه از آن کم شود. به عبارت دیگر جمله "لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ" همان گونه که در روایت نیز آمده است، در واقع معنی کلمه "صَمَدٌ" است. کلمه "صمد" معنی نزدیکی با مجموعه مرجع در اصطلاح ریاضیات دارد. مجموعه مرجع به مجموعه ای گفته می شود که هیچ عضوی خارج از آن مجموعه قرار نمی گیرد و بقیه مجموعه ها نیز زیر مجموعه آن هستند.)

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۱۲):

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

نه زاییده و نه می زاید (فرزندی از او
متولد نشده و نمی شود و چیزی از او
جدا نشده و نمی شود) و نه زاییده
شده و نه می شود (نه فرزند کسی
است و نه از چیزی جدا شده است)

لم یلد: نه زاییده و نه می زاید (نه فرزندی از او متولد شده یا چیزی از او جدا شده)

لم یولد: نه زاییده شده و نه می شود (نه فرزند کسی است یا از چیزی جدا شده است)

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۱۳):

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

و برای او همانند و همتایی
نبوده و نیست، یکتایی است که
امکان ندارد، دومی داشته باشد

لم یکن: نبوده و نیست

له: برای او

کفوًا: همانند و همتا

احد: آن یکی که امکان ندارد دومی داشته باشد - یکتا (کلمه احد صفتی است که از ماده وحدت گرفته شده، همچنان که کلمه واحد نیز وصفی از این ماده است، ولی بین احد و واحد فرق است، احد آن یکی است که دومی ندارد چه در ذهن و چه در خارج از ذهن یعنی عقلاً دومی برای آن متصور نیست به خلاف کلمه واحد که یا دومی دارد یا می توانست داشته باشد)

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۱۴):

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ

پرورش دهنده ی همیشه و بی اندازه
بزرگِ من نه تنها هیچ عیبی ندارد، بلکه
همه ی خوبیها نیز از اوست

سبحان: از هر عیب و نقصی بری است - منزّه است- هیچ عیبی ندارد (در عباراتی نظیر "سَبَّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ" با کمک حمد پروردگارت او را تسبیح بگو " منظور از "تسبیح گفتن به کمک حمد" این است که بوسیله ستودن پروردگارت او را از عیب و نقص داشتن، دور بدانی مثلاً بگویی او نه تنها ناتوان نیست بلکه توانای بی نهایت است)

رَبِّي: پروردگارم - پرورش دهنده من (کلمه رب به معنای مالکِ مدبّر یا صاحبی که امور مربوط به آن چه دارد را در جهت رشد و کمال او تدبیر می کند و به پیش می برد، می باشد)

عظیم: همیشه و بی اندازه بزرگ (این کلمه از عظم به معنی استخوان گرفته شده چون معیار در بزرگی جثه هر کسی درشتی استخوانهای او است آنگاه هر چیز بزرگ و درشتی را هم به عنوان استعاره عظیم خواندند، و بعد از کثرت استعمال "بزرگ" معنای اصلی کلمه شده است)

بحمده: به کمک حمد و ستایش او (حمد و ستایش پروردگار با جمله "الحمد لله" معادل است و این جمله نیز به این معنی است که از هر خوبی تعریف کنند در واقع پروردگار را ستوده اند چون خوبیهای همگان از اوست)

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۱۵):

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَ بِحَمْدِهِ

پرورش دهنده ی من که برترین
است، نه تنها هیچ عیبی ندارد،
بلکه همه ی خوبیها نیز از اوست

سبحان: از هر عیب و نقصی بری است - منزه است- هیچ عیبی ندارد (در عباراتی نظیر "سَبَّحُ بِحَمْدِ رَبِّكَ: با کمک حمد پروردگارت او را تسبیح بگو" منظور از "تسبیح گفتن به کمک حمد" این است که بوسیله ستودن پروردگارت او را از عیب و نقص داشتن، دور بدانی مثلاً بگویی او نه تنها ناتوان نیست بلکه توانای بی نهایت است)
رَبِّي: پروردگارم - پرورش دهنده من (کلمه رب به معنای مالک مدبّر یا صاحبی که امور مربوط به آن چه دارد را در جهت رشد و کمال او تدبیر می کند و به پیش می برد، می باشد)

اعلی: برترین - برتر

بحمده: به کمک حمد و ستایش او (حمد و ستایش پروردگار با جمله "الحمد لله" معادل است و این جمله نیز به این معنی است که از هر خوبی تعریف کنند در واقع پروردگار را ستوده اند چون خوبیهای همگان از اوست)

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۱۷):

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

گواهی می دهم (با نگاهی به جهان می
فهمم) که بی عیب و نقصی که همه خوبیها
را داشته باشد پس عاشقش گردند و
شایسته پرستشی، مگر الله نیست

اشهَدُ: گواهی می دهم (کلمه شهادت به معنای حاضر بودن در جریان ، و اطلاع یافتن از آن است. وقتی می گوئیم من در وقوع
فلان امر شاهد بودم ، یعنی حاضر بودم ، و در نتیجه حضورم از جریان اطلاع یافتم)

أَنْ: که - اینکه

لَا: نیست

إِلَهٌ: معبود - کسی که بنده اش شوند - شایسته ی پرستش و بی عیب و نقصی که عاشقش گردند

أَلَّا: مگر

الله: کسی که همه خوبیها را دارد و هیچ بدی در او نیست و از این رو واله و عاشقش می شوند و او را معبود خود قرار می دهند

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۱۷):

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

تنها او، شریکی ندارد (برای به
دست آوردن چیزی یا خوشایند
کسی، نافرمانی او را نمی کنم)

وحده: تنها او، او یکی است

لا: نیست

شریک: شریک (اگر برای به دست آوردن چیزی یا خوشایند کسی نافرمانی پروردگار را کنند در این صورت آن چیز یا آن شخص را شریک پروردگار کرده اند)

له: برای او

یک جمله از نماز (۱۸):

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

گواهی می دهیم (با نگاهی به زندگی پیامبر و آیاتی از قرآن کریم که درباره اوست می فهمیم) که محمد بنده اوست (هرگز خلاف فرمان پروردگار عمل نکرده) و فرستاده اوست

اشْهَدُ: گواهی می دهیم (کلمه شهادت به معنای حاضر بودن در جریان ، و اطلاع یافتن از آن است. وقتی می گوئیم من در وقوع فلان امر شاهد بودم ، یعنی حاضر بودم ، و در نتیجه حضورم از جریان اطلاع یافتیم)

أَنَّ: که - اینکه

عَبْدُهُ: بنده اش (عبادت و پرستش یعنی اینکه رفتار انسان طوری باشد که نشان دهد مالکش کسی است که قصد عبادتش را دارد. به عبارت ساده تر عبادت یعنی رفتاری که عبد و بنده بودن را نشان دهد و هر کس که بنده ی دیگری است، خلاف فرمان او عمل نمی کند)

رَسُولُهُ: فرستاده اش، پیامبرش، پیغامبرش

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۱۹):

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَالِ مُحَمَّدٍ

ای الله، برای محمد و آل محمد خیر و نیکی بخواه

اللهم: ای الله (کسی که همه خوبیها را دارد و هیچ بدی در او نیست و از این رو واله و عاشقش می شوند و او را معبود خود قرار می دهند)

صل: درود فرست - طلب خیر و نیکی کن (صل از صلوة و به معنای دعا است)

علی: بر

محمد: نام مبارک پیامبر گرامی اسلام، آخرین و برترین پیامبر الهی صلی الله علیه و آله و سلم به معنی لایق ستایش شده (از رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسیدند: چرا به نام احمد و محمد و بشیر و نذیر نامیده شدید. فرمود: اما "محمد" نامیده شدم، بدین جهت که من در زمین محمود و از نظر دوست و دشمن ستوده‌ام و اما "احمد" (ستوده تر) نامیده شدم بدین جهت که من در آسمان احمد و ستوده‌تر از ستودگیم در زمینم و اما بشیر خوانده شدم به خاطر این که هر کس مرا اطاعت کند به بهشت بشارت دارد و نذیر خوانده شدم چون پروردگار هر کسی را که نافرمانیم کند از آتش انداز کرده)

آل محمد: حضرت فاطمه و ائمه معصومین علیهم السلام

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۲۰):

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

الله هیچ عیبی ندارد و همه ستایشها برای اوست پس همه خوبیها از اوست و جز او کسی این گونه نیست (بهترین توصیفی که می توان از کسی کرد) با این وجود از این توصیف هم بزرگتر است.

سبحان: از هر عیب و نقصی بری است - منزه است - هیچ عیبی ندارد

الحمد: همه ستایشها و برشمردن خوبیها

لله: برای الله (الله: کسی که چون همه خوبیها را دارد و هیچ بدی در او نیست، واله و عاشقش می شوند و او را می پرستند)

إِلَه: معبود - کسی که بنده اش شوند - شایسته ی پرستش و بی عیب و نقصی که عاشقش گردند

اکبر: بزرگتر

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۲۱):

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

همان سلامی که سخن پروردگار همیشه
وبی اندازه مهربان است و سلامتی و ایمنی
می بخشد و رحمت و برکات الهی بر تو باد
ای پیامبر (که شاهد نماز من بودی)

السلام: آن سلام معروف (سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ: سلامی که سخن پروردگار همیشه و بی اندازه مهربان است و سلامتی و امنیت
می بخشد) سلامتی، امنیت
برکات: برکاتش، خیر فراوانش

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۲۲):

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَيَّ

عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

همان سلامی که سخن پروردگار همیشه و بی اندازه مهربان است و سلامتی و ایمنی می بخشد، به ما و بندگان صالح الله (فرمانبرداران پروردگار که به اصلاح امور خود و خلق الله مشغولند)

الله: کسی که چون همه خوبیها را دارد و هیچ بدی در او نیست، واله و عاشقش می شوند و او را می پرستند
السلام: آن سلام معروف (از این جهت که با الف و لام معرفه شده است به استناد آیه شریفه ۵۸ از سوره مبارکه یس: سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ، سلامی است که سخن پروردگار همیشه و بی اندازه مهربان است و سلامتی و امنیت می بخشد) سلامتی، امنیت
عباد: بندگان (عبادت یعنی رفتاری که بنده بودن را نشان دهد و هر کس که بنده ی دیگری است، خلاف فرمان او عمل نمی کند)
صالحین: شایستگان - آنان که به اصلاح امور خود و خلق الله مشغولند

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM

یک جمله از نماز (۲۳):

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

همان سلامی که سخن پروردگار همیشه و بی اندازه مهربان است و سلامتی و ایمنی می بخشد، و رحمت و برکات الهی بر شما باد (ائمه اطهار علیهم السلام و فرشتگانی که شاهد و ناظر نماز ما بوده اند)

السلام: آن سلام معروف (از این جهت که با الف و لام معرفه شده است به استناد آیه شریفه ۵۸ از سوره مبارکه یس: سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ، سلامی است که سخن پروردگار همیشه و بی اندازه مهربان است و سلامتی و امنیت می بخشد) سلامتی، امنیت رحمت: نوعی تاثیری درونی است، که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می آید و باعث می شود تا شخص رحیم وارد عمل شود و او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند
الله: کسی که چون همه خوبیها را دارد و هیچ بدی در او نیست، واله و عاشقش می شوند و او را می پرستند
برکاته: برکاتش، خیر فراوانش

جلسه قرآن آستانه حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام

WWW.MOBIN110.BLOGFA.COM